

مبانی حقوقی پناهندگی

نویسنده: حمید نظری

(قسمت دوم)

● اگر تعقیب افراد ناشی از ارتکاب عملی قابل مجازات مبتنی بر انگیزه های سیاسی بوده و کیفر نیز برحسب قوانین کشور مربوطه پیش بینی شده باشد، ترس از چنین تعقیبی درخواست پناهندگی آنها را توجیه نخواهد کرد.

● کشورهای وارد کننده نیروی کار، مهاجرت کارگران خارجی را جزئی از طرح های توسعه اقتصادی - اجتماعی خود قرار داده اند و کشورهای صادر کننده نیروی کار، مهاجرت را وسیله ای برای تسکین مشکلات ناشی از بیکاری داخلی و منبعی برای تامین ارز می دانند.

دراویل قرن بیستم دلیل تغییرات سیاسی و اجتماعی متعددی که در ساختار جهان بوجود آمد، امواج پناهندگی بنحوی گسترش یافت که رسیدگی به وضع پناهندگان می بایست درحیطه کاریک ارگان بین المللی قرار گیرد. بدین منظور در چارچوب جامعه ملل تعدادی موافقت نامه بین المللی جهت حمایت از پناهندگان تهیه و تصویب گردید که ترتیبات ۱۲ می ۱۹۲۶ و ۳۰ ژوئن ۱۹۲۸، کنوانسیون ۲۸ اکتبر ۱۹۳۳ و ۱۰ فوریه ۱۹۳۸، پروتکل ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۹، همچنین اساسنامه سازمان بین المللی پناهندگان از آن جمله بود.

این ترتیبات حقوقی که غالباً برحسب موقعیت های مختلف بوجود می آمد جامعیت نداشت با این وجود مشکلات بزرگی نیز ایجاد نمی کرد. بعد از جنگ جهانی دوم و پیدایش تغییرات ژئوپولیتیک در اروپا و سایر نقاط دنیا، امواج پناهندگی گسترده تر یافت به صورتی که علاوه بر حمایت وسیع بین المللی از افراد پناهنده، لزوم تعیین وضعیت حقوقی پناهندگان و ضرورت وجود تعریف دقیق و جامعی از مفاهیم پناهندگی و پناهنده را بیش از پیش نشان داد.

● کسانی که از انجام خدمت سربازی شانه خالی کرده و فراری شده اند، غالباً پناهنده شناخته نمی شوند زیرا ترس از تعقیب و مجازات به خاطر فرار از خدمت نظام، خود بخود «ترس موجه» تلقی نمی گردد.

در حال حاضر، تعیین وضعیت پناهندگی در سطح جهان براساس کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ صورت می پذیرد و ۷۸ دولت عضو کنوانسیون یا پروتکل مذکور و یا هر دو آنها می باشند.

این دو سند قانونی تنها شامل کسانی می شود که براساس تعاریف موجود در آن، پناهنده شناخته می شوند و دول متعاقد ملزم به رعایت مفاد اسناد مزبور و رسیدگی به تقاضای پناهندگی افراد می باشند. در مقدمه کنوانسیون آمده است که با توجه به ماهیت بین المللی قضیه پناهندگی، همکاری بین المللی در این زمینه ضروری می باشد و اظهار امیدواری شده است که دولت ها با توجه به طبیعت بشر دوستانه مسئله، از این که این امر باعث تنش بین کشورها گردد جلوگیری نمایند.

بطور کلی مفاد کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۷۶ را میتوان به سه بخش تقسیم نمود. دسته اول مربوط به تعریف واژه پناهنده و تعیین دایره شمول آن است و دسته دیگر به وضعیت حقوقی پناهنده و حقوق و وظایف وی اشاره دارد و بالاخره دسته سوم مربوط به اجرای کنوانسیون از نقطه نظر اداری و دیپلماتیک می باشد. برای نمونه ماده ۳۵ کنوانسیون و ماده ۲ پروتکل ۱۹۶۷ ناظر به همکاری دول متعاقد و دفتر کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان است.

تعریف واژه پناهندگی و تعیین پناهنده

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو تعریف جامعی از پناهنده ارائه کرده است. گرچه

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۵۰ طی قطعنامه شماره (۷) ۴۳۹ پرلزوم روشن شدن وضعیت این افراد تکیه کرد و بدنبال آن کنفرانس نمایندگان تام الاختیار ملل متحد در مورد وضعیت پناهندگان و افراد بدون تابعیت از ۲ تا ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۱ در ژنو برگزار گردید. حاصل این کنفرانس، کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد وضعیت پناهندگان بود که پس از طی مراحل لازم در ۲۲ آوریل ۱۹۵۴ قوه قانونی یافت. پروتکل ۱۹۶۷ تنها تغییر کوچکی در کنوانسیون ایجاد نمود که بعد از آن صحبت خواهد شد.



● اصولاً آوارگان جنگی یا اشخاصی که در نتیجه درگیری های مسلحانه داخلی یا بین المللی ناگزیر از ترك کشور خود شده اند، طبق کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ ژنو، پناهنده محسوب نمی شوند.

● در حالیکه شناسائی افراد به عنوان پناهنده توسط دولت ها بر انگیزه های انسان دوستانه و سیاسی استوار است، مهاجرت ها و پذیرش مهاجرین بیشتر جنبه اقتصادی دارد.

ویامایل به بازگشت به آن کشور نیست. در مورد شخصی که بیش از یک تابعیت دارد، اصطلاح «کشور محل تابعیت» بمعنای هر یک از کشورهایی است که وی تبعه آنهاست. چنانچه شخص بدون دلیل معتبر براساس ترس موجه خود را مشمول حمایت یکی از کشورهایی که تابعیت آن را دارد قرار نداده باشد، نمی توان او را از حمایت کشور متبوع خود محروم دانست.

ب- (۱) در این کنوانسیون جمله «حوادثی که قبل از ژانویه ۱۹۵۱ اتفاق افتاده است» مذکور در بخش اول ماده یک، بمعنای زیر می باشد:

الف - «حوادثی که قبل از ژانویه ۱۹۵۱ در اروپا اتفاق افتاده است.»
ب- «حوادثی که قبل از ژانویه ۱۹۵۱ در اروپا یا هرجای دیگر اتفاق افتاده است.» هر کشور متعاقد در زمان امضاء، تصویب، و پذیرش این کنوانسیون اعلام خواهد نمود که کدامیک از موارد فوق را در تعهدات خویش نسبت به کنوانسیون ملحوظ خواهد داشت.

(۲) - هر کشور که شق اول را پذیرفته است هر زمان می تواند با ارسال یادداشتی خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد تعهدات خود را به شق دوم نیز تعمیم دهد.

ج - این کنوانسیون در موارد زیر درباره اشخاصی که تحت بند الف قرار می گیرند اجرا نخواهد شد:

۱- شخصی که بطور داوطلبانه خود را مجدداً تحت حمایت کشور متبوع

دولت هائی که عضو این کنوانسیون نیستند و حتی دولت های عضو غالباً در این زمینه براساس منافع و سیاست ملی خویش عمل کرده و تفاسیر گوناگون و باب طبع خود از آن می نمایند، با این وجود باید پذیرفت که این تعابیر مختلف تنها در کیفیت اعطای پناهندگی توسط دولت ها موثر است نه در اصل تعریف. درباره این موضوع بعداً نیز صحبت خواهد شد.

در ماده اول کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو آمده است:

«الف - در کنوانسیون حاضر واژه پناهنده به هر شخصی اطلاق می شود که:

(۱) - برحسب موافقتنامه های ۱۲ می ۱۹۲۶ و ۳۰ ژوئن ۱۹۲۸، یا کنوانسیونهای ۲۸ اکتبر ۱۹۳۴ و ۱۰ فوریه ۱۹۳۸، پروتکل ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۹، یا اساسنامه سازمان بین المللی پناهندگان، «پناهنده» شناخته شده است. تصمیمات متخذة توسط سازمان بین المللی پناهندگی در طول فعالیت هایش مانع از آن نخواهد بود که وضعیت پناهندگی به افرادی اعطا شود که شرایط مندرج در بند دوم این قسمت را دارا می باشند.

(۲) شخصی که در نتیجه حوادثی که پیش از اول ژانویه ۱۹۵۱ اتفاق افتاده و بخاطر ترس موجه از تعقیب و آزار بدلیل نژاد، مذهب، عضویت در یک گروه اجتماعی، یا دارا بودن عقیده سیاسی خاص، در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می برد و به علت چنین ترسی نمیتواند یا نمی خواهد تحت حمایت آن کشور قرار گیرد، و یا کسی که فاقد تابعیت بوده و در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می برد و بدلیل چنین ترسی قادر

خویش قرار دهد. یا

۲- در صورتی که تابعیت خویش را از دست داده است مجدداً آن را به دست آورد، یا

۳- تابعیت جدیدی کسب کرده و از حمایت کشور متبوع جدید بهره مند باشد، یا

۴- بطور داوطلبانه به کشوری که قبلاً بخاطر ترس از تعقیب و آزار آنرا ترک کرده و یا در خارج از آن به سر می برده است، بازگردد، یا

۵- به دلیل از بین رفتن شرایطی که برطبق آن پناهنده شناخته شده است، نتواند از قبول حمایت کشور متبوع خود امتناع ورزد. البته مقررات این بند پناهنده‌ای را که مشمول بند (۱) بخش (الف) این ماده قرار گرفته و قادر است برای امتناع از قبول حمایت دولت متبوع خود دلایل قانع کننده‌ای در مورد تعقیب و آزار قبلی ارائه نماید، دربر نخواهد گرفت.

۶- اگر اوضاع و احوالی که باعث گردیده شخص بدون تابعیت به عنوان پناهنده شناخته شود - از بین برود - آن شخص می تواند به کشوری که در آنجا سکونت دائم داشته بازگردد.

مقررات این بند شامل پناهنده‌ای که مشمول بخش (الف) بند (۱) این ماده قرار گرفته و میتواند برای امتناع از بازگشت به کشور محل سکونت قبلی خود دلایل قانع کننده‌ای مبنی بر تعقیب و آزار قبلی ارائه نماید، نخواهد شد.

د- این کنوانسیون شامل کسانی که در حال حاضر از ارگانها و آژانس های

۱۹۵۱ می گردد. البته این قسمت در حال حاضر به دلیل گذشت زمان اهمیت خود را از دست داده است. با این وجود می توان استدلال کرد که فرزند بازمانده از پناهنده‌ای که مشمول یکی از اسناد فوق بوده است نیز پناهنده محسوب می گردد.

در قسمت الف (۲) به حوادث قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ اشاره شده است. باید متذکر گردید که با تصویب پروتکل ۱۹۶۷، این تاریخ اهمیت خود را از دست داده است. با این وجود ذکر کلمه «حوادث» تنها بخاطر منافع گروهی از دول بوده که بعدها نیز عضو پروتکل ۱۹۶۷ نشدند. کلیه حوادث در کنوانسیون ۱۹۵۱ دقیقاً تعریف نشده است ولی می توان آنرا به اتفاقات مهمی مانند تغییرات عمیق سیاسی یا ارضی تعبیر کرد که تعقیب و آزار سیستماتیک گروههای جمعیت را در برداشته است. به هر حال، باید توجه داشت که یک پناهنده ممکن است کشورش را قبل یا بعد از این تاریخ ترک کرده باشد. البته شرط آن است که ترس و ناامنی ناشی از حوادث پیش از تاریخ فوق بوده باشد، هر چند آثار مترتب برآن بعد از تاریخ مذکور ظاهر گردیده باشد.

در بند دوم از «ترس موجه از تعقیب و آزار» صحبت به میان آمده است. این عبارت را در حقیقت می توان جمله کلیدی کنوانسیون در تعریف از پناهنده دانست. این عبارت جایگزین روشهای اولیه تعریف پناهندگی شده است و بدین ترتیب مفهوم کلی «ترس»، رفتار ناشی از آن یعنی درخواست پناهندگی را توجیه می کند.

● هر چند دولت های عضو یا غیرعضو کنوانسیون ژنو غالباً در زمینه مسائل پناهندگی براساس منافع و سیاست های ملی عمل کرده و برداشت های باب طبع خود از موضوع دارند، ولی این تعابیر گوناگون تنها در کیفیت اعطای پناهندگی به افراد موثر است نه در اصل تعریف واژه پناهنده.

● کسانی که مرتکب جنایت علیه صلح یا بشریت، جنایت جنگی (انگونه که در اسناد بین المللی تعریف شده)، جرم عمده‌ای که مستوجب مجازات عمومی است، یا اعمالی منافی مقاصد و اصول ملل متحد شده باشند، پناهنده شناخته نخواهند شد.

سازمان ملل غیر از کمیته عالی ملل متحد برای پناهندگان کمک دریافت می کنند و یا توسط آنها حمایت می شوند، نمی گردد.

در صورتی که چنین کمک یا حمایتی به هر دلیل، بدون اینکه وضعیت این اشخاص مطابق قطعنامه‌های مربوطه مجمع عمومی سازمان ملل متحد روشن شده باشد قطع گردد، این افراد حق خواهند داشت از مزایای این کنوانسیون برخوردار شوند.

ه- مقررات این کنوانسیون در مورد شخصی که از طرف مقامات صلاحیت دار کشور محل سکونت دائم خود حائز حقوق و تکالیف ناشی از تحصیل تابعیت آن کشور شناخته شده باشد مجری خواهد بود.

و- مفاد این کنوانسیون شامل اشخاصی که علیه آنها دلایل محکمی در رابطه با موارد زیر وجود دارد نمی گردد:

الف) مرتکب جنایتی علیه صلح یا بشریت یا جنایت جنگی (بدان صورت که در اسناد بین المللی تهیه شده در رابطه با چنین جرائمی تعریف شده) گردیده باشد.

ب) پیش از آنکه در کشور پناه دهنده بعنوان پناهنده پذیرفته شود، در خارج از آن کشور مرتکب جنایت عمده‌ای که مستوجب مجازات عمومی است شده باشد.

ج) مرتکب اعمالی منافی مقاصد و اصول ملل متحد شده باشد.^۱ همانگونه که ملاحظه می شود این ماده در حقیقت استخوان بندی اصلی کنوانسیون را تشکیل می دهد و به همین دلیل نیز سعی شده است که کلیه شقوق قابل پیش بینی را در بر گیرد. با این وجود نکاتی در این ماده وجود دارد که می بایستی روشن شود. در حقیقت این نکات را شاید بتوان راهنمای کسانی دانست که بنحوی در تعیین وضعیت پناهندگی یک شخص دخیل بوده و می بایست زوایای مختلف این مساله را به خوبی بررسی کنند.

در قسمت الف (۱) از ماده فوق به کلیه متون حقوقی که قبل از کنوانسیون مورد استفاده بوده اشاره می شود. این امر صرفاً بخاطر اطمینان ادامه حمایت بین المللی از پناهندگان می باشد. بدین معنی که شخصی که براساس هر یک از این ابزار حقوقی پناهنده شناخته شده است، خود به خود مشمول کنوانسیون

از آنجا که ترس امری ذهنی است، تعریف شامل یک عنصر ذهنی در شخص متقاضی پناهندگی است. به همین دلیل در تعیین وضعیت پناهندگی ابتدا باید ارزیابی دقیقی از این عامل صورت گیرد و بعد درباره شرایط حاکم در کشور متبوع شخص متقاضی پناهندگی قضاوت شود.^(۲)

به این عنصر ذهنی صفت «موجه» نیز اضافه شده است. بدین ترتیب تنها چارچوب ذهنی شخص نیست که عامل تعیین کننده وضعیت پناهندگی اوست بلکه این عامل ذهنی باید توسط یک عامل عینی حمایت گردد. این دو عامل هر دو از اهمیت خاص برخوردارند و باید دقیقاً مورد بررسی قرار گیرند. با این ترتیب افرادی نظیر قربانیان گرسنگی یا مصائب طبیعی، خودبخود از شمول تعریف خارج می شوند، گرچه آنها نیز ممکن است بتوانند در چنین شرایطی دلایل کافی برای پناهندگی ارائه نمایند.

باید توجه داشت که در ارزیابی عنصر ذهنی یعنی «ترس»، بررسی شخصیت یک پناهنده نیز ضروری است چون عکس العمل های روانی افراد در قبال یک مسئله متفاوت خواهد بود. ممکن است شخصی که دارای اعتقادات مذهبی یا سیاسی قوی است و عمل نکردن به آنها زندگی را برایش غیر قابل تحمل می سازد در یک عکس العمل فوری تصمیم به فرار بگیرد در حالی که کسی که چنین اعتقاد راسخی ندارد بتواند خروج خود از کشور را بطور دقیق تری طرح ریزی کند.

یکی از موارد سنجش موجه یا غیر موجه بودن ترس آنست که شخص متقاضی پناهندگی دارا یا فاقد گذرنامه کشور متبوع خود می باشد. چنین فرض میشود که وجود گذرنامه بمعنی آن است که مقامات صادر کننده، تصمیم به تعقیب و آزار صاحب آن ندارند، چرا که می توانستند برای وی گذرنامه صادر نکنند. گرچه این امر در اغلب موارد درست بنظر می رسد ولی بسیاری از افراد بدون ظاهر ساختن عقیده سیاسی خود، به خروج قانونی از کشور دست می زنند زیرا در غیر اینصورت در وضع خطرناکی قرار می گیرند. بنا بر این صرف داشتن گذرنامه همیشه نمی تواند دلیلی بر غیر حق بودن درخواست دارنده آن یا فقدان ترس موجه باشد.^(۳)

در مورد تعقیب باید گفت که تعریف جامع و پذیرفته شده‌ای از آن وجود

ندارد و کوشش برای تنظیم چنین تعریفی با موفقیت کمی روبرو شده است. در ماده ۳۳ کنوانسیون از کشورهای متعاقد خواسته شده است پناهندگان را به سرزمین اصلی یعنی جانی که زندگی و آزادی آنها بخاطر وابستگی به نژاد، مذهب، ملیت، عقیده سیاسی، یا عضویت در یک گروه اجتماعی در خطر است، پس نفرستند. ممکن است بتوان عناصر فوق را از علل تعقیب شمرد اما بهرحال تعیین ضوابطی عام برای تعریف این عامل یا جمع عواملی که زمینه های چنین تعقیبی را فراهم می کند امکان پذیر نمی باشد.

در مورد عامل «تبعیض» مذکور در بند ۲ ماده فوق باید گفت که امروز در کلیه جوامع رفتار گروه های حاکم با افراد وابسته به گروه های دیگر به درجات متفاوت است اما در غالب موارد این تبعیض چهره جدی ندارد و ممکن است ترس موجه و بنیانی نیز ایجاد نکند. بهرحال باید کلیه شرایط موجود برای تعیین یک شخص بعنوان پناهنده در نظر گرفته شود.

تعقیب و آزار را باید از مجازات بخاطر نقض قوانین جدا دانست. اشخاص فراری از مجازات معمولاً پناهنده شناخته نمی شوند. می توان گفت که پناهنده یک قربانی - یا قربانی بالقوه - بی عدالتی است نه یک فراری از قانون. گرچه، وجه تمایز فوق نیز گاه گنگ و مبهم است زیرا ممکن است در بعضی موارد کسیکه بخاطر نقض قوانین گناهکار شناخته می شود به صورت مجازات بیش از حد و نامناسب با جرم ارتکابی، مورد آزار قرار گیرد.

بهرحال معمولاً صرف وابستگی فرد به یک نژاد، مذهب یا ملیت نمی تواند دلیل کافی برای تعقیب و آزار وی باشد هر چند موارد ویژه ای وجود دارد که تعلق داشتن به چنین گروه هایی می تواند زمینه کافی برای شناسایی یک شخص بعنوان پناهنده را فراهم آورد. در مورد داشتن عقیده سیاسی خاص نیز باید گفت که صرف دارا بودن نظری مخالف مقامات دولتی نمی تواند دلیلی بر ترس از تعقیب باشد. علاوه بر این باید دقیقاً روشن شود که در صورت ترس از تعقیب، این ترس تا چه حد با عقیده ابراز شده توسط شخص در ارتباط می باشد.

در آنجا که شخصی بخاطر جرائم سیاسی در معرض آزار و تعقیب و مجازات است، باید معلوم گردد که آیا تعقیب تنها بخاطر دارا بودن عقیده سیاسی خاص است یا به دلیل اعمال ارتکابی براساس انگیزه های سیاسی. چنانچه تعقیب مربوط به یک عمل قابل مجازات باشد که از انگیزه های سیاسی سرچشمه گرفته است و کیفر نیز بر حسب قوانین آن کشور پیش بینی شده باشد، ترس از چنین تعقیبی بخودی خود موجد پناهندگی نخواهد بود.

این اقتضا که پناهنده باید خارج از کشورش باشد به این معنی نیست که لزوماً باید کشورش را به صورت غیرقانونی یا حتی بخاطر «ترس موجه» ترک کرده باشد. او ممکن است مدتها پس از آنکه در خارج زندگی کرده است در مورد وضعیت پناهندگی خود اقدام نماید. شخصی که هنگام ترک کشورش پناهنده نبوده و بعداً پناهنده شده است اصطلاحاً «پناهنده در محل» خوانده می شود.^(۴) این عنوان زمانی به شخص اطلاق می گردد که در مدت غیبتش، تحولاتی در کشور اصلی رخ داده باشد.

دبیلماها و سایر کارمندان که در خارج از کشور زندگی می کنند، زندانیان جنگی، دانشجویان، و کارگران مهاجر ممکن است در حین اقامتشان در خارج تفاضلی پناهندگی کرده و بدین عنوان خوانده شوند. همچنین امکان دارد که فردی به خاطر آثار ناشی از رفتارش در خارج، مانند همکاری با پناهندگان یا بیان عقاید، در کشور محل اقامتش به صورت «پناهنده در محل» درآید.

دایره شمول تعریف پناهنده

گرچه تعبیر و تفاسیر زیادی در مورد واژه «پناهنده» وجود دارد با این حال باید پذیرفت که تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو تعریفی جامع و کامل است. باید بخاطر داشت که بعضی حرکت ها با وجود دارا بودن عناصر مشترک اجبار، فشار و عبور از مرز، در تعریف دقیق حقوقی پناهندگی نمی گنجد، هر چند که ممکن است صرفاً به علل انساندوستانه کمک و حمایت بین المللی را نیز جلیب نماید. من باب مثال، کسانی که از انجام خدمت سربازی فرار کرده اند، غالباً پناهنده شناخته نمی شوند. در کشورهایی که خدمت سربازی اجباری است، عدم انجام این وظیفه برحسب قانون قابل مجازات می باشد. بعلاوه، گذشته از اینکه خدمت نظام وظیفه اجباری است یاخیر، اصولاً فرار کاری غیرقانونی محسوب می شود. البته نوع مجازات در کشورهای مختلف متفاوت است ولی معمولاً تعقیب و آزار به حساب نمی آید. ترس از تعقیب و مجازات بخاطر فرار از خدمت نظام، بخودی خود «ترس موجه» تلقی نمی گردد. از طرف دیگر فرار از خدمت سربازی، فرد را از دایره شمول پناهندگی خارج

نمی کند زیرا ممکن است علاوه بر فراری بودن، پناهنده نیز باشد. در این صورت باید ثابت کند که وابستگی اش به نژاد، مذهب یا داشتن اعتقاد خاص، موجب افزایش مجازات فرار از خدمت نظام به صورت غیرعادلانه می گردد. چنانچه شخص ادعا کند که انجام خدمت سربازی مستلزم شرکت در عملیات نظامی و جنگی است و این امر مخالف اعتقادات مذهبی وی می باشد، باید ادله کافی در این زمینه ارائه نماید.

مهاجرین اقتصادی نیز از پناهندگان متمایز هستند. مهاجر کسی است که به دلایلی جدا از آنچه که در تعریف پناهنده آمده است، بطور داوطلبانه کشور خود را بمنظور اقامت در جای دیگر ترک می کند. چنین شخصی ممکن است بدلیل تغییر آب و هوا، دلایل خانوادگی یا شخصی، محل زندگی خود را عوض کند. اگر وی منحصرأ بخاطر دلایل اقتصادی تغییر مکان دهد، مهاجر اقتصادی محسوب می گردد، نه پناهنده.

از نظر بین المللی نیز در حالیکه شناسایی افراد بعنوان پناهنده توسط دولت ها برانگیزه های انساندوستانه و سیاسی استوار است، مهاجرت ها و پذیرش مهاجرین بیشتر جنبه اقتصادی دارد. مهاجرت های امروزی یک انتقال سیستماتیک نیروی کار از کشورهایی با دستمزد کم به کشورهایی با دستمزد بالا می باشد. کشورهای وارد کننده نیروی کار، مهاجرت کارگران خارجی را جزئی از طرح های توسعه اقتصادی - اجتماعی خود قرار داده اند و کشورهای صادر کننده نیروی کار، در حقیقت مهاجرت را راه تسکین مشکلات ناشی از بیکاری داخلی ومنبعی برای تامین ارز می دانند.^(۵) باید در نظر داشت که گاه تشخیص انگیزه ها و علل پناهندگی و مهاجرت اقتصادی از یکدیگر مشکل است. زیرا ممکن است در بطن بعضی اقدامات اقتصادی دولت ها، اهداف سیاسی، مذهبی یا نژادی نهفته باشد که عمداً برعلیه یک گروه ویژه هدایت می شود. بهرحال مخالفت با اقدامات عام اقتصادی بخودی خود دلیل مناسبی برای درخواست پناهندگی نمی باشد.

اوارگان جنگی یا اشخاصی که ناچارند کشور خود را در نتیجه درگیری های مسلحانه داخلی یا بین المللی ترک کنند، اصولاً طبق کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ پناهنده محسوب نمی شوند. گرچه اسناد حقوقی بین المللی دیگری مثل کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو برای حمایت از قربانیان جنگ، و پروتکل اضافه شده براین کنوانسیون در سال ۱۹۷۷ مربوط به حمایت از قربانیان درگیری های مسلحانه بین المللی، از آنها حمایت می نماید. هر چند تجاوز خارجی یا تصرف همه یا قسمتی از سرزمین یک کشور ممکن است به تعقیب و آزار منجر گردد، ولی در چنین موردی اعطای وضعیت پناهندگی بستگی به آن دارد که شخص ترس بنیانی خود را توجیه یا ثابت کند که نمی تواند از حمایت کشور خود یا هر دولتی که در چنین موقعیتی می بایست از منافع کشورش حمایت کند برخوردار شود.

درخصوص افراد بدون تابعیت که گاه پناهنده نیز محسوب می شوند باید گفت که بموجب ماده اول کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، مفاد این کنوانسیون به پناهندگانی که تحت حمایت ارگانها یا آژانس های سازمان ملل متحد بغیر از کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان می باشند (تا زمانیکه از چنین حمایتی برخوردار هستند یا کمک دریافت می دارند) تسری نمی یابد. بدین ترتیب پناهندگان فلسطینی که زیر پوشش آژانس کار و کمک برای پناهندگان فلسطینی قرار دارند از شمول این کنوانسیون خارج می باشند. یعنی در عین پناهنده بودن بدون تابعیت محسوب نمی شوند در حالیکه پناهندگان مشمول کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو می توانند بدون تابعیت هم باشند و همانطوریکه در متن ماده یک کنوانسیون مشاهده شد به آنها توجه خاص مبذول گردیده است.

ادامه دارد

زیرنویس ها:

- 1- Collection of International Instruments Concerning Refugees, Second Edition, UNHCR, Geneva, 1979, PP. 11-13.
- 2- Handbook on Procedures and Criteria for Determining Refugee Status under the 1961 Convention and the 1967 Protocol relating to the status of refugees, UNHCR, Geneva, 1979. P.11
3. Ibid. P.13
- 4- Ibid. P.22
- 5- Report of the Round Table on Pre-flow Aspects of the Refugee Phenomenon (Sanremo, 27-30 April 1982) International Institute of Humanitarian Law, Sanremo, Italy. /282. P.8
- 6- International Labour Migration and Remittances: Between the Developing ESCAP Countries and the Middle East; Trend, Issues and Policies. Development Papers No. 6. ESCAP, United Nations, Bangkok 1984. P.2